

قطعه‌نامه پیشنهادی به تشکل‌ها و  
سازمان‌های کارگری

به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۲

(۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۱)

اول ماه مه یکی از مظاهر بزرگ مبارزه مستقل طبقه کارگر برای رهایی از ستم و استثمار سرمایه داری است. اول ماه مه همچنین روز همبستگی و اتحاد همه کارگران جهان در مقابل سرمایه داران و دولت‌هایشان است. میلیون‌ها کارگر در سراسر گیتی طی نسل‌های متوالی، این روز را گرامی داشته و می‌دارند و از این بالاتر، بسیاری از کارگران همه کشورهای این روز را به تخته پرشی برای ارتقای مبارزات خود با سرمایه داران و دولت‌هایشان تبدیل کرده‌اند و می‌کنند. در حالی که برای طبقه کارگر ایران که بزرگترین طبقه اجتماعی و بزرگ‌ترین مولد ثروت در جامعه است، حکایت همچنان باقی است:

حکایت محرومیت از حقوق اساسی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، حکایت انباشت هر چه بیشتر سرمایه و ثروت در دست عده‌ای کم‌شمار و انباشت فقر، سیاه، استثمار و بی‌اطمینانی به آینده برای اکثریت انبوه و قاطع جامعه یعنی کارگران و زحمتکش‌ها، حکایت بیکاری انبوه و مزمن بخش فزاینده‌ای از طبقه کارگر، حکایت محرومیت بیش از ۹۶ درصد کارگران بیکار از بیمه بیکاری، حکایت محرومیت کارگران از حق تشکل و تحزب، از حق گردهمائی و اعتراض، از حق اعتصاب، حکایت استثمار مضاعف زنان کارگر و محروم کردن آنان از تصدی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، حکایت کار میلیون‌ها کودک و

ارگان کارگران انقلابی متحد ایران  
**خیزش**

شماره ۹ اردیبهشت ۱۳۹۱



### فهرست:

- قطعه‌نامه پیشنهادی به تشکل‌ها و سازمان‌های کارگری ص ۱  
سال ۹۱، سال تشدید اخراج سازی و بیکاری کارگران ایران  
ص ۴  
سرود انترناسیونال ص ۶  
خیانت دیگر جمهوری اسلامی: استفاده بی‌رویه از مواد ارزان  
سمی و سرطان‌زا! ص ۶  
دو شعر از اوژن یوتیه ص ۹

5. برقراری حداقل 40 ساعت کار دو روز تعطیل متوالی در هفته و یک ماه تمام مرخصی سالانه با حقوق و مزایا.
6. کارگران ایران بزرگترین طبقه اجتماعی و بزرگترین مولد ثروت در کشورند و با خانواده هایشان اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند. بدین سان طبیعی است که کارگران خواهان دست کم مزدی معادل هزینه متوسط زندگی یک خانوار شهری باشند (هزینه متوسط یک خانوار شهری حدود یک میلیون و هفت صد و پنجاه هزار تومان در ماه است). چنین مزدی باید هر ساله به تناسب تورم و نیز افزایش بارآوری اجتماعی کار افزایش یابد.
7. مزد برابر زنان و مردان برای کار یکسان؛ لغو همه تبعیضات جنسی، مذهبی، قومی و ملی در زمینه استخدام و تصدی مسئولیت های شغلی و اجتماعی.
8. برقراری حداقل چهار ماه مرخصی با حقوق و مزایا برای زایمان و زمان بارداری زنان کارگر؛ پوشش کامل هزینه های زایمان و مراقبت های پزشکی و پیراپزشکی و آزمایش ها و غیره زنان کارگر توسط سازمان بیمه اجتماعی.
9. منع کار کودکان زیر 16 سال؛ برخورداری همه کودکان از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی ورزشی رایگان برای همه کودکان.
10. برقراری بیمه بیکاری برای کارگران بیکار و جویندگان کار با مزدی دست کم برابر مزد حداقل.
- 11 - لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و جایگزینی آن با قراردادهای دائمی و جمعی کار.
- محرومیت شان از تحصیل و شرایطی که رشد سالم جسمی و روحی و فرهنگی آنان را تأمین کند ... آری این حکایت های درد و رنج تحمل ناپذیر کارگران همچنان ادامه دارند و این داستان ملال آور، روز به روز طولانی تر می شود.
- در آستانه گرامی داشت اول ماه مه، ما همه کارگران و تشکل های کارگری ایران را به طرح متحدانه حول خواستها و مطالبات مشترک و سراسری زیر دعوت می کنیم و به مبارزه در راستای تحقق این موارد فرا می خوانیم:
1. مبارزه برای به رسمیت شناختن حق بی چون و چرا و خدشه ناپذیر کارگران در ایجاد تشکل های اقتصادی، حرفه ای و سیاسی مستقل از دولت، کارفرما، احزاب سیاسی و نهادهای دینی.
  2. آزادی نامحدود بیان و عقیده، لغو سانسور؛ حق اعتصاب، حق تشکل و حزب، حق اعتراض، راه پیمائی، گرد همائی و تحصن؛ منع شکنجه و لغو مجازات اعدام.
  3. برابری کامل حقوقی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زنان با مردان؛ لغو قوانین تبعیض گرانه و تحقیر آمیز به ضد زنان.
  4. آزادی همه کارگران و فعالانی که برای دفاع از حقوق کارگران بازداشت و زندانی شده اند؛ آزادی زندانیان سیاسی؛ بازگشت کارگران زندانی بر سر کار خود و پرداخت حقوق و مزایای مدتی که زندانی و بازداشت بوده اند؛ لغو ممنوعیت تحصیلی دانشجویانی که فعالیت سیاسی داشته اند یا به این خاطر محکوم شده اند.

بحران ویرانگر و جهانگیر سرمایه داری پشتیبانی می کنیم؛ ما همبستگی خود را با مبارزات مردم زحمتکش کشورهای زیر سلطه و عقب مانده به ضد استثمارگران داخلی و غارتگران و تجاوزگران و اشغالگران خارجی اعلام می نماییم؛ ما هر نوع توطئه توسط دولت های سلطه طلب خواه در شکل تجاوز نظامی و خواه به صورت به اصطلاح حمایت از حقوق مردم زیر ستم را محکوم می کنیم و برآنیم که ایجاد دگرگونی های اجتماعی و سیاسی تنها حق خود مردم هر کشور است؛ ما نه تنها سرکوب مبارزات توده ها، بلکه اعمال نفوذ در این مبارزات و تلاش برای کارگردانی آنها و جهت دادن بدان ها از سوی نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی از هر قماش را قاطعانه رد می کنیم.

18- ما هرگونه سیاست مبتنی بر نظامی گری، عظمت طلبی و سلطه جوئی را از جانب هر کشوری که باشد قویا محکوم می کنیم. ما با همه سیاست های عظمت طلبانه و سلطه جویانه قدرت های جهانی و قدرت طلبان منطقه ای از جمله جمهوری اسلامی ایران مخالفیم. چنین سیاستی که متکی بر منافع استثمارگرانه چپاولگران خارجی و داخلی است به جنگ های تجاوزگرانه و سلطه طلبانه، به تهدید جنگ، به تقویت نظامی گری و به اعمال تحریم ها و وخیم تر کردن زندگی مردم دامن زده و فضای اجتماعی و سیاسی را به شدت مسموم و خفقان آور کرده است. ما طرفدار صلح همراه با آزادی و دموکراسی هستیم.

19- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان، خود را متحد آنان می دانیم و بیش از

12- پرداخت فوری مزدهای عقب افتاده کارگران بی هیچ عذر و بهانه ای؛ در صورت امتناع کارفرما و یا ناتوانی او در پرداخت مزد کارگران، دولت مکلف است مزد کارگران را با خسارات ناشی از دیرکرد بپردازد.

13- برقراری کنترل مستمر کارخانه ها و کارگاه ها و دیگر محیط های کار از نظر بهداشتی و ایمنی بر طبق استاندارد های جهانی توسط نمایندگان منتخب کارگران؛ برکناری تمام دست اندر کاران بخش خصوصی و دولتی که در سوانح فاجعه بار کار به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش داشته اند.

14- پرداخت مستمری بازنشستگان به میزان آخرین مزد و حقوق دریافتی به شرطی که از مزد حداقل پائین تر نباشد؛ بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی.

15- بیمه های تامین اجتماعی حق تمام افراد جامعه است؛ اداره این نهاد باید به دست نمایندگان منتخب کارگران در سراسر کشور باشد.

16- کارگران همه کشورهای جهان طبقه واحدی هستند و همگی زیر بهره کشی و ستم سرمایه داران و دولت های سرمایه داری قرار دارند. منافع بنیادی، درازمدت و تاریخی کارگران همه کشورها مشترک است. بدین سان رابطه بین کارگران جهان باید همبستگی و اتحاد باشد. ما خواستار برابری حقوق کلیه کارگران ساکن ایران فارغ از ملیت، جنسیت و مذهب آنان هستیم. ما مخالف هر نوع تبعیض به ضد کارگران مهاجر افغانی یا دیگر کارگران سایر ملیت ها که در ایران شاغل یا ساکن اند می باشیم.

17- ما از مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران در سراسر گیتی برای بهبود زندگی مادی و معنوی خود و مقابله با

سازی وسیع و عدم تمدید قرارداد کاری کارگران، توسط کارفرمایان و پیمانکاران، فراهم نموده است.

«تمامی کارگران کارخانه تولید شمش چدن شرکت ذوب آهن غرب کشور (کوره بلند) در نخستین روز کاری سال 91 اخراج شدند. نماینده کارگران اخراجی در گفتگو با اینلنا، از اخراج 200 کارگر کارخانه تولید شمش چدن شرکت ذوب آهن غرب کشور خبر داد ... متأسفانه در آبان سال جاری به علت کمبود ماده اولیه کک و فقدان سایر مواد اولیه، فعالیت کارخانه متوقف شد و شرکت ذوب آهن غرب کشور به صورت یک جانبه قرارداد خود را با پیمانکار در تاریخ 30 دیماه 90 فسخ نموده و از همین تاریخ با کلیه پرسنل و کارگران مستقیماً تا تاریخ 29 اسفند 90 به مدت 2 ماه و تنها در یک نسخه و با به امضاء رساندن برگ تعهد سلب اختیارات از کارگران، قرارداد تنظیم نموده بود. ... به گفته وی، این بهانه مسئولین کارخانه در شرایطی عنوان می شود که کار احداث کارخانه کنستانتز به پایان رسیده است و همچنین کار احداث کارخانه کوره بلند این شرکت که بیش از 15 سال طول کشیده است در مراحل پایانی است. ... استانداری همدان در جواب کارگران عنوان کرد که قرارداد شما با شرکت به اتمام رسیده و طبق قانون می توانید با شما قرارداد منعقد نکنند و کاری از دست ما بر نمی آید.» (روزنامه آفتاب یزد - 19/1/91)

"ولی فقیه" جمهوری اسلامی که طی نطق خود سال 91 را سال "تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی" نامیده بود، در عمل مفهوم شعارهای فریبکارانه و غیر واقعی خود را به کارگران نشان داد. او که بیشرمانه منکر تشدید بحران اقتصادی و سیاسی کنونی و تحمیل آوار آن بر سر کارگران و توده های محروم جامعه شده

هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.

20- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

## کارگران انقلابی متحد ایران

جمعی از فعالین کارگری (جافک)

اردیبهشت ۱۳۹۱

[ruwo.iran@gmail.com](mailto:ruwo.iran@gmail.com)

[kargaranfa@gmail.com](mailto:kargaranfa@gmail.com)

سال ۹۱، سال تشدید اخراج سازی

و بیکاری کارگران ایران

## شیده رخ فروز

از ابتدای سال جاری بار دیگر موج اخراج کارگران توسط کارفرمایان دولتی و خصوصی، شتاب فزاینده ای گرفته است. کارگران که از ماه ها قبل از شروع سال جدید بار فقر، استعمار و گرانی سرسام آوری را متحمل گردیدند پس از تعطیلات سال نو با اخراج و خانه خرابی خود مواجه شدند. کارفرمایان در برخی از واحدهای صنعتی و خدماتی حتی روز 28 اسفند به منظور تعدیل نیرو، به اخراج کارگران پرداختند و به نوعی نصیب آنان از عیدی سال نو اخراج و دست های خالی و شب عید شرمنده خانواده های خود گشتن، بود. از سوی دیگر قراردادی بودن کارگران، بهترین محمل را برای اخراج

جنسی به ضد زنان و به قیمت محرومیت از نقش اجتماعی خویش، آنان را هدف قرار داده بود.

«رئیس مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در خصوص استخدام نیمه وقت دو کارمند زن به جای یک کارمند گفت: ساعت کار این زنان در طول هفته 22 ساعت است البته دریافتی، حق بیمه و حق بازنشستگی آنها نصف یک کارمند زن است.» (22/1/91 - آفتاب یزد) به این ترتیب به بهانه ایجاد اشتغال برای تعداد بیشتری از زنان تحصیلکرده، نصف شدن دریافتی شاغلین، فشار به درآمد خانوارها و بالطبع دو شغله شدن و استثمار بیشتر (بسیاری از زنان شاغل سرپرست خانوار هستند یا بدون سرپرست بوده و تأمین هزینه های خانواده را به دوش می کشند)، محرومیت از تأمین زندگی آینده (یعنی نصف شدن حقوق ناچیز بازنشستگی در دوران از کارافتادگی و سالمندی و ناتوان شدن از انجام کار) و به انزوا کشاندن بیشتر نقش اجتماعی زنان در جامعه، از اهداف این گونه طرح ها هستند. علاوه بر تمامی اینها، با توجه به اینکه 70 درصد از بازنشستگان طبق گفته های خود مسئولان با دریافتی حدود 400 هزار تومان در ماه، زیر خط فقر زندگی می گذرانند، می توان به راحتی تأثیرات این نصف شدن حقوق اندک را با توجه به افزایش روزانه هزینه های زندگی، متصور شد. همچنین می توان نصف شدن سایر مزایا مانند حق مسکن (که به مدت 8 سال است بدون هیچ افزایشی روی مبلغ 10 هزار تومان ثابت مانده است، در مقایسه با افزایش روزافزون مسکن و اجاره بها طی این مدت) و سایر تأثیرات این گونه طرحهای ضد کارگری و ارتجاعی را بر تمامی عرصه های زندگی خانواده ها، مورد بررسی قرار داد.

است، برای حفظ وضع موجود و بقای رژیمش به هر ترفند کثیفی دست می زند تا واقعیات را وارونه جلوه دهد. همان واقعیتی که قراردادهای موقت و اخراج کارگران و به نابودی کشاندن سرنوشت هزاران خانوار کارگری را با حمایت قانون، به آسانی میسر گردانده است.

«از ابتدای سال 91، یعنی از سه هفته قبل، قرارداد کاری 30 درصد از کارگران واحدهای تولیدی تمدید نشده است. ... در حال حاضر کارگران فقط برای زنده ماندن تلاش می کنند ... در صورتی که دولت از ارائه بسته های حمایتی خودداری کند کارگران در سال جاری با بحران بیکاری مواجه خواهند شد. ...» (فرامرز توفیقی - 22/1/91)

«نماینده کارگران سابق کارخانه نوید منگنز اصفهان گفت: بسیاری از کارگران این کارخانه با وجود 16 سال سابقه کاری به دلیل عدم رسیدگی به مشکلات تولید اکنون بیکار هستند. ... بیکاری 80 کارگر رسمی و 70 کارگر قرارداد موقت این کارخانه ...» (آفتاب یزد 22/1/91)

در پی تشدید روند اخراج کارگران، زنان شاغل نیز از سوی دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی و نهادهای وابسته به آن، در معرض نیمه وقت شدن و یا نصف شدن دستمزد قرار گرفته اند. زنان شاغل که به طور ساختاری در برابر کار یکسان با مردان از مزد کمتری برخوردارند و علاوه بر شدت استثمار، بار سنگین کار خانگی را نیز به دوش می کشند، باز هم با این سیاست زن ستیزانه مواجه اند. آنان چندی پیش نیز اولویت اول را در طرح "دورکاری" تشکیل می دادند، یعنی همان طرحی که از سوی دولت و با هدف اقتصادی تعدیل هزینه های کار و اهداف اجتماعی یعنی تمرکز زدایی

بدین سان دورنمای اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای کارکنان مزدی و بیکاران و جوانان جویای کار که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می دهند روز به روز وخیم تر خواهد شد. باید به تداوم این وضعیت نابسامان و فجایی که زندگی و حیاطمان را نشانه گرفته، پایان دهیم. با تشکل و سازماندهی آگاهانه مبارزات خود از سطح روزمره تا عالی ترین شکل آن و برای حاکم شدن بر سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، باید راهی انقلابی برگزید. سرنگون ساختن رژیم سرمایه داران و زمینداران جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک شورائی، تنها راه پیش روی ماست.

## سرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی  
شوریده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند  
و آنگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هرچیز گردند

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

برما نبخشند فتح و شادی خدا، نه شه نه قهرمان  
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان  
تا ظلم از عالم برویم نعمت خود آریم به کف  
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

تنها ما توده جهانی، اردوی بی شمار کار  
داریم حقوق جهانیانی نه که خونخواران غدار  
گرد وقتی رعد مرگ آور بر رهزنان و دژخیمان  
در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

خیانت دیگر جمهوری اسلامی: استفاده

بی رویه از مواد ارزان سمی و سرطان زا!

## شیده رخ فروز

قانون بنیادی شیوه تولید جامعه سرمایه داری، کسب هرچه بیشتر سود است. در تحقق این امر سرمایه داران و دولت های حامی شان، از قربانی ساختن جان و هستی توده ها و از بین بردن ثروت مادی و معنوی جامعه، هیچ ابایی ندارند. آنها با راه اندازی جنگ ها و ایجاد تأسیسات هسته ای و صرف بودجه های نجومی در این راه و استفاده از مواد اولیه مضر در صنعت، به کسب سود ناشی از بازار معاملات خویش می پردازند و حفظ سلامت جامعه و طبیعت در این معادلات جایی ندارند.

برای همه مسئولان و سازمان ها محرز شده است گفت: این مواد در هنگام تنفس به اعماق شش نفوذ می کنند و برای همیشه در آن جا می مانند، با گذشت زمان این ذرات بر اثر تحریکات مداوم خود می توانند موجب بیماری های آزیستوسیس، سرطان ریه و یا بیماری مزوتلیوما شوند که همه آنها در نهایت به مرگ منتهی می شوند.» (9/11/90) «مهمترین محصولات آزیستی شامل محصولات آزیستی سیمانی (لوله های آزیست سیمانی، ناودانی و صفحات ایرانی)، جامه های نسوز (لباس، جلیقه، نمدها و دیگر مواد نسوز)، کاغذهای آزیستی (پوشش لوله ها و عایق های الکتریکی)، محصولات سایند (مانند لنت ترمز و کلاچ اتومبیل های سبک و سنگین و قطار)، به عنوان ماده پرکننده در آسفالت، رنگ شیمیایی، کاشی، پلاستیک و ... است ... تحقیقات نشان می دهد وجود آزیست در هوای تهران بیشتر ناشی از لنت ترمزها و صفحه کلاچ خودروهاست.» (2/5/90)

همانگونه که دیدیم خطرات ناشی از مصرف این ماده سمی برای همه مسئولان و سازمان ها محرز شده است، اما عملکرد آنها تنها در جهت اهداف گفته شده دور می زند و نه حفظ سلامت و بهداشت جامعه. صنایع خودروسازی که با مالکیت و مدیریت دولتی و از قبل استثمار مطلق کارگران خود و تحمیل شرایط طاقت فرسا و ساعات کاری طولانی به آنان، یکی از سودآورترین صنایع ایران محسوب می شود، بیشترین مصرف این ماده مهلک سمی (آزیست) را به خود اختصاص داده اند.

«... متأسفانه خودروسازان داخلی هنوز آزیست را از ترکیبات ساخت لنت ترمز و صفحه کلاچ خودروها حذف نکرده اند و 65 درصد مواد به کار رفته در ساخت لنت ترمز و کلاچ خودروهای داخلی را آزیست تشکیل می

تخریب محیط زیست یکی از تبعات این امر است، که نه تنها حیات میلیونها انسان و جانداران را در طبیعت به مخاطره انداخته، بلکه نسل های آینده را نیز دچار انواع محرومیت ها خواهد ساخت.

ابعاد این مسئله در شرایط کنونی ایران تحت حاکمیت سرمایه داران و زمینداران رژیم جمهوری اسلامی، به مراتب فاجعه بارتر از سایر نقاط دیگر جهان است. چرا که حداقل امکان افشا، اعتراض و مبارزه با این سیاست های ضد انسانی و ضد محیط زیست دولت ها، توسط تشکل ها و نهادهای مردمی طرفدار محیط زیست در سایر نقاط جهان امکان پذیر است. اما رژیم جمهوری اسلامی در این رابطه نیز همچون سایر عرصه ها، سیاست پرده پوشی، سرکوب و ممنوعیت حق هرگونه اعتراض را در پیش گرفته است.

چندین سال از هشدار کارشناسان محیط زیست در زمینه خطرات ناشی از مصرف "آزیست" در صنایع و اثرات آن بر سلامت مردم و رشد انواع بیماری ها و سرطان در این رابطه می گذرد، اما مسئولان دولتی بی اعتنا به این خطر، از کنار آن می گذرند:

«در تاریخ یکم آذرماه 1390، مهلت شش ساله جایگزینی ماده آزیست به پایان رسید و سازمان حفاظت از محیط زیست استفاده از هرگونه آزیست را به طور کلی ممنوع اعلام کرد.» (آفتاب یزد - 9/11/90) «به گزارش فردا، انوشیروان محسنی بندپی افزود: قوانین موجود در حوزه عدم استفاده از آزیست کافی است و کماکان در بخش اجرا با مشکل مواجه هستیم.» (همانجا - 27/10/90)

قبل از هر مطلبی لازم است بدانیم "آزیست" چیست و چه کاربردی دارد؟ «سرخنگوی فراکسیون محیط زیست ... با تأکید بر این که خطر سرطان زایی ماده سمی آزیست

هزاران کارگر و پرسنل شاغل در این صنایع که مستقیماً در معرض آسیب قرار دارند. «به دلیل ممنوعیت استفاده از این ماده در اغلب کشورهای دنیا، قیمت آن در بازارهای جهانی رو به کاهش است و این سبب شده که میزان واردات محصولات آزیستی به کشور روز به روز افزایش یابد.» (همانجا - 2/5/90 تأکید از ما است)

«... به دلیل پایین بودن کیفیت قطعاتی که از کشور چین خریداری می شود شاهد افزایش آلودگی هوای مترو هستیم. ... خبرگزاری پانا، گزارش داده مدتی است که کارکنان بخش هایی از متروی تهران از بیماری پوستی و ریوی رنج می برند و با توجه به اینکه بارها مشکلات خود را به مسئولان شهری اعلام کرده اند تاکنون تدبیری برای این افراد اندیشیده نشده است. شیوع بیماری پوستی در میان کارگران و کارکنان مترو سبب نگرانی آنها و خانواده هایشان شده است البته این در حالی است که برای این افراد هیچ سختی کاری در میزان حقوقشان در نظر گرفته نشده است.» (روزنامه آرمان - 28/4/90) دولت و کارشناسان وابسته اش با سیاست های مخرب اقتصادی شان، از یک سو مشغول صرفه جویی در هزینه های تولیدی و خدماتی بوده و از سوی دیگر تمعداً با بی توجهی، پرده پوشی و مسکوت گذاشتن عواقب این سیاست ها، با وثیقه قرار دادن جان کارگران و کارکنان صنایع تحت پوشش خود، در پرداخت دستمزد (عدم پرداخت کامل آن) آنان نیز به حساب جیب خود، صرفه جویی لازم را انجام می دهند. از سوی دیگر جان و سلامتی سایر مصرف کنندگان را نیز به بازی گرفته اند. آنان عملاً نشان داده اند که نه می خواهند و نه قادر به کنترل و حفاظت از جان و محیط زیست و کار کارگران و مردم، هستند. اما کارگران انقلابی و توده های محروم که رسالت سرنگونی و درهم کوبیدن این رژیم ارتجاعی

دهد که این موضوع به شدت سبب بالا رفتن میزان آلاینده سمی آزیست در هوای شهر شده است.» (همانجا - 2/5/90) «به دلیل بی توجهی و بی مبالایی یک کارخانه خودروساز که برای ارزان تر تمام شدن خودرو تولیدی اش یک قطعه حیاتی تحت عنوان "کنیستر" را از خودروها حذف کرد، انبوه بخارات بنزین به صورت مستقیم به بیرون خودروها و هوای شهر سرازیر شد. ... در حال حاضر 700 تا 800 هزار خودرو فاقد این قطعه با ورود ماده سمی بنزین به هوا به تشدید آلودگی هوای تهران دامن می زنند. ... در دنیا ثابت شده بیماری های ناشی از آزیست هیچ گونه درمان قطعی ندارند و تا آخر عمر بیمار را آزار می دهند.» (22/1/91 - تأکید از ما است)

«... استفاده از واگن های چینی حاوی لنت های آزیست دار در نوع خود یک فاجعه است ... لنت این گونه واگن ها حاوی مقدار زیادی از ماده سمی آزیست است، این در حالی است که هم اکنون واگن های چینی بدون هیچ نظارتی و کنترلی وارد کشور شده است. ... دولت و سازمان های مربوطه مانند سازمان حفاظت از محیط زیست و شهرداری باید اولویت اول خود را در خرید تجهیزات در حفظ جان مردم بگذارند ... متأسفانه به علت بی توجهی دولت در موضوع مهار آلودگی هوای تهران هم اکنون سن ابتلا به بیماری سرطان پایین آمده، از این رو باید در آینده نزدیک شاهد بحران بیماری سرطان در کشور به ویژه در تهران باشیم.» (همانجا - 9/11/90 - تأکید از ما است) منطق سرمایه دارانه دولت به عنوان بزرگ ترین کارفرما (و نیز کارفرمایان بخش خصوصی)، تنها در پی کاهش هزینه های تولید (از جمله تهیه و خرید ارزان مواد اولیه) و سود بیشتر می چرخد تا اندکی ارزش قائل شدن برای جان مردم و نیز جان



و ضد انسانی را برعهده دارند، قادر به حل انقلابی معضلات جامعه خواهند بود. آنان پس از انقلاب توانایی ایجاد ارگانی را دارند که وظیفه آن تنظیم و اجرای سیاستهای مربوط به حفظ و بهبود محیط زیست در همکاری با نهادهای کارگری، کشاورزی، ارگان اجتماعی برنامه ریزی، مراکز علمی و تحقیقاتی، سازمان های بهداشتی و درمانی، شهرداری ها و انجمن های غیر دولتی فعال در زمینه محیط زیست باشد.

### دو شعر از اوژن پوتیه

ترجمه یحیی سمندر

#### بیکاری

کارفرمایم می گوید دیگر کار نیست

و ما هیزم نداریم:

زمستان است، بیکاری است.

همه مرگ ها با هم!

ذره ای کار نیست.

برف می بارد: آسمان خاکستری است؛

به هر کارگاهی سر می زنم،

تمام پاریس را گشته ام.

نه اعتبار خرید نسبه دارم و نه چیزی برای فروش

و اجاره عقب افتاده.

همه جا به من می گویند صبرکن

اما گرسنگی صبر نمی کند!

ثروتمندان (خدا بر آنها ببخشاید!)

غالبا به من می گویند: دوست من،

هنگامی که کار هست [و درآمدی]

باید همچون مورچه عمل کرد!  
پس انداز؟ اما آنچه به دست می آوریم  
به زحمت کفاف خوراک مان می دهد  
هنگامی که مزد پانزده روزه دریافت می کنیم  
باید یکجا به نانوا بدهیم.

شب در اطاق زیر شیروانی سخت است؛

شام گرمی نیست؛

مادر بیهوده با رخت کهنه هایش

تخت بچه ها را می پوشاند.

نوباوگان

دیروز سخت از سرما یخ کردند.

داستان این است که لحاف هایمان را

گرو گذاشته ایم!

زمستان پیش، قلبم از یادآوریش پاره می شود،

خرد سال ترین بچه ها را از دست دادم؛

به ندرت می توان آنها را بزرگ کرد

هنگامی که مادر به سختی بیمار است.

می ترسم که به زودی

دوقلوها هم راهی [مرگ] شوند...

اما آنچه بیشتر مایه شکایت است

آنهائی نیستند که می میرند! [نه بر مرده بر زنده باید

گریست!]

چه بسیار از سرپرستان خانواده ها

برای فراموشی به مشروب روی می آورند!

بچه بزرگ من دختر است

و از اینکه بزرگ می شود نگرانم.

خدا کند که بتواند خود را نگه دارد

چون در شانزده سالگی برای یک سکه پول

یا برای یک پیراهن هندی

کودک فقیر ممکن است کارش به جاهای بد بکشد!

دیگر نمی خواهم به هنگام پرسه زدن

شبانگاه از زیر پل بگذرم،

به آبی که زیر طاق پل ضجه می کند

چیزی در درون من پاسخ می دهد:

در گودی سیاهت ای رود پیر

آیا غصه انسان را حکایت می کنی؟

با آه بیوه زنانه ات

و با بغض یتیمانه ات!

کارفرمایم می گوید دیگر کار نیست

و ما هیزم نداریم:

زمستان است، بیکاری است،

همه مرگ ها با هم!

\*\*\*

### کمون نمرده است

[1885]

با شلیک تفنگ شاسپو<sup>1</sup>،

با شلیک تیربار او را کشتند،

و با پرچمش او را

در خاک رس غلتاندند

و دار و دسته دژخیمان فریه

خود را قوی ترین پنداشتند.

به رغم همه اینها، نیکلا،

کمون نمرده است!

همچون دروگرانی که سبزه زاری درو کنند،

آن چنان که سیب از درختان فرو بارند،

ورسائی ها<sup>2</sup> دست کم

صد هزار تن را کشتند

و این صد هزار قتل

حاصلش را می بینید.

به رغم همه اینها، نیکلا،

کمون نمرده است!

مارلن را تیرباران کردند،

فلورن، دووال، میلی پر،

فره، ریگو، تونی موالن<sup>3</sup> را نیز.

شکم گورستان را پر کردند.

گمان بردند که بازوهای کمون را بریده اند

و شریانش تهی کرده اند.

به رغم همه اینها، نیکلا،

کمون نمرده است!

همچون راهزنان عمل کردند،

با حساب روی سکوت

زخمی ها را در تخت کشتند

در تخت آمبولانس.

و خون که از ملافه ها موج می زد

زیر در جاری شد.

<sup>2</sup> - منظور از «ورسائی ها» نیروهای بورژوازی

فرانسه به رهبری تی پر است که در ورسای متمرکز

شده بودند و از آنجا به کمون پاریس حمله کردند.

<sup>3</sup> - نام شماری از مسئولان و فعالان کمون پاریس که

توسط ورسائی ها اعدام شدند.

<sup>1</sup> - تفنگ ارتش فرانسه در سال های 1866-1874

که سگ جان [سرسخت] است و جسور، و وقت آن است  
که

فریاد ز نیم: کمون نمرده است!

و به همه یهوداها ثابت می کند

که اگر اوضاع چنین پیش رود

به زودی با پوست خود احساس خواهند کرد

که کمون نمرده است!

\*\*\*

**برای ارتقای خیزش ما به یاری انقلابیان  
پرونتری نیازمندیم**

[ruwo.iran@gmail.com](mailto:ruwo.iran@gmail.com)

<sup>5</sup> - ترکیب «ماری» و «آن» دو نام برای دختران که در سده هیجدهم در فرانسه بسیار مرسوم بودند. ماریان نماد جمهوری فرانسه است و مجسمه ها و نقاشی هائی که این سمبول را به نمایش در می آورند وجود دارد. ماریان سفید پوست است و پوتیه در شعر بالا می گوید که پس از کمون ماریان پوستش تیره یا قهوه ای می شود که هم نشانگر نزدیکی بیشتر این سمبول به توده های پایین است و هم بیانگر سرسختی «ماریان جدید» (مترجم فارسی).

به رغم همه اینها، نیکلا،  
کمون نمرده است!

روزنامه نگاران پلیس

این تهمت فروشان،

بر استخوان مردگان مان

سیل ردالت جاری کردند

ماکسیم دوکان ها، دوما ها

تیزاب خود را قی کردند.

به رغم همه اینها، نیکلا،

کمون نمرده است!

بر بالای سرشان

تیر داموکلس پرواز می کند.

به هنگام خاک سپاری والس<sup>4</sup>،

کاملاً گیج شدند.

واقعیت این است که جمع سرافرازی بودیم

که او را بدرقه کردیم!

که به هر حال ثابت می کند، نیکلا،

که کمون نمرده است!

در یک کلام، اینها به مبارزان ثابت می کند

که پوست ماریان<sup>5</sup> قهوه ای است

<sup>4</sup> - ژول والس (1832-1885)، روزنامه نگار و نویسنده، عضو کمون. پس از شکست کمون به اعدام محکوم شد اما توانست از فرانسه به بلژیک و سپس به لندن برود و در سال 1880 به فرانسه بازگشت. او در سال 1885 در پاریس درگذشت و ده ها هزار نفر در خاک سپاری او شرکت کردند.